

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قبل از خواندن خطبه‌های محرم لازم است نکاتی را خدمت شما خواهران و برادران متذکر شویم. مقدمه‌ها برای درک بهتر این خطابه‌های گران‌قدر و بی‌نظیر نوشته و خوانده می‌شود که در آن نیز از فرمایشات اولیاء کمک می‌گیریم لذا لازم است که به مطالب آن عنایت و توجه زیادی نمایید، ضمناً خطابه‌های گهربار که گنجینه‌ی بی‌نظیر از لطف و احسان پروردگار و امام عصرمان است برای ناامیدی و سرزنش نیست بلکه برای نجات و تربیت نفس و عمل درست ماست پس اگر مشتاق ارتقاء و پیشرفت در ایمان و اخلاص و عقیده و عملمان هستیم باید که چون جان شیرین آن را بخوانیم و بشنویم و به آن عمل کنیم.

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۷ هـ.ق - ده شب در مدینه)

۲۳ مهر ۹۴

خطبه‌ی شب اول

پروردگارا ای که حمد و ستایش مخصوص توست. معبودی جز تو نیست. تویی که بر بندگان نعمت می‌بخشی و روزی بی‌حساب به هر کس که بخواهی عطا می‌کنی. ای آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین و صاحب جلال و اکرام بر خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و آتش درود فرست و گشایشی در عقلم و نجاتی از باطل‌های ظاهر و باطنم برایم قرار بده.

آغاز می‌کنیم به فضل و کرم پروردگار کریم و لطف و عنایت بی‌دریغ مولا و سرورمان، جوهر هستی، منجی عالم بشریت امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) شب‌های محرم را با خطابه‌های گهربار و گران‌قدرشان با عنوان «ده شب در مدینه». لذا برای درک بهتر خطابه‌ها توضیحاتی هرچند کوتاه برای شما مهمانان کوی مقدسشان عرض می‌کنیم.

در نهضت کربلای اباعبدالله الحسین (ع)، امت مسلمان به وسیله شیطان و نفس به جهالتی مبتلا شدند که زمین و آسمان‌ها را به حیرت واداشتند و به اندازه‌ای در آن غرق شدند که رگ حیاتشان را بریدند و آن را پیروزی تصور کردند.

این جهالت و بیماریِ نفسشان به یک‌باره آنان را در بر نگرفته بود بلکه مرض و عفونتی کهنه بود که در کربلا سر باز کرد. مولای ما اراده فرمودند که با خطابه‌های ده شب در مدینه، ریشه‌ی نهضت عاشورا را برایمان روشن کنند.

جنگ صفین در کنار رود دجله اتفاق افتاد. امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندان و یاران راستین کمی که داشتند و سربازانی که عقلشان در چشمانشان بود، با معاویه و عمروعاص حيله‌گر و مکار که برای رسیدن به اهداف شومشان از هیچ چیز ابا نداشتند به جنگ پرداختند.

امیر مؤمنان علی (ع) معاویه را شکست داد و تا چند قدمی چادر معاویه پیش رفت اما عمروعاص قرآن‌ها را به حيله و تزویر بر سر نیزه زد و سربازان امیر مؤمنان (ع) دست از جنگ کشیدند با وجود اینکه امام به آنان فرمود که این خدعه و نیرنگی از طرف عمروعاص است و من خود قرآن ناطق هستم، آنان به رویش شمشیر کشیدند، در نتیجه مکر و حيله بر جهالت پیروز شد و قلب مطهر امیر مؤمنان از این‌همه جهل مردمان به خون نشست؛ لذا همان‌گونه‌ای که در خطبه‌ی امشب خواهیم شنید پیشینی امیر مؤمنان علی (ع) برای فرزندش امام حسن مجتبی (ع) تحقق یافت و حاصلش همان شد که این مردم هزار رنگ و جاهل با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و سایر امامان انجام دادند؛ پس امامت را باور کنیم و در فرمان‌برداری از ایشان با جان و مال و فرزند قیام کنیم. همان‌گونه‌ای که در خطبه فرمودند همچون یاران صدیق امامان ناممان در تاریخ ثبت شود و در زمره‌ی راست‌گویان و پایداران به عهد و پیمان قرار بگیریم، آنانی که مودت به اهل‌بیت پیامبرشان را حیات جاودانه دانستند.

حال به اذن الله، به اذن رسول الله و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج) خطبه‌ی امشب را قرائت می‌کنیم.

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### خطبه‌ی شب اول

شکر خالق بی‌همتا را سزااست که عقل را مقتدای حق و باطل خواند تا مردمان، جانشان را در بود و نبودش محک بزنند. اینک خورشید، روزی را آغاز نموده که ساعاتش در رسالت آخرین پیامبر الهی جاودانه خواهد شد زیرا آنچه مردمان با جهالتشان به جان بی‌عقلشان خریدند مصیبتی است که هرگز از آن رهایی نخواهند یافت.

ایام را به گذشته و به لحظات جاودانه‌ی حق علیه باطل متصل می‌کنیم تا شاهد نجوای عاشقانه‌ی امیر مؤمنان (ع) در لحظات تنهایی مولا باشیم.

ساعاتی از شب گذشته است. امام حسن (ع) وارد خیمه‌ی پدر می‌شود؛ پدر جان، شما برگزیده‌ی پروردگار عالم هستید ولی یاران و مجاهدان میدان به دنبال بهانه‌ای هستند تا پرده از نفسشان بردارند و کینه‌ای را آشکار کنند که سال‌ها در سینه‌ی خود به آن شکل و بها داده بودند.

مولا امیر مؤمنان (ع) می‌فرمایند: اگر توان درک مصیبتی که بر سر دینشان آورده‌اند را داشتند هرگز مسلمان نمی‌شدند. آن‌ها در قالب آیات الهی به سمتی حرکت کردند که پایه گذار حکومت شیطان است و ما خاندان نبوت آشکار کننده‌ی چهره‌ی این حکومت خواهیم بود.

حضرت به طرف امام حسن (ع) می‌روند و دستان پر محبتشان را بر شانه‌های امام می‌گذارند و می‌فرمایند: افسوس که پیمانه‌ی حق جز با حق مداران پر نمی‌شود و آنان که بر سر این پیمانه با یکدیگر پیمان می‌بندند همانانی هستند که وجودشان از حرارتی سرخ می‌شود که کتاب آسمانی فرموده همانند مجاهدانی که اکنون در کنار ما مانده‌اند تا وارث رسالت پیامبری شوند که همگان را به دین واحدی دعوت فرمود. ما به خانه‌مان باز می‌گردیم و شاهد سال‌هایی خواهیم بود که باطل در جان مردمان آن‌چنان رخنه خواهد کرد که عهد و پیمان‌های خود را فراموش کرده و به گرد

گوساله‌ی سامری مستانه خواهند چرخید و بار این مصیبت بر شانه‌های ما سنگینی می‌کند تا آنجا که مرا در قالب یک مسلمان عاری از دین به همگان معرفی و با این حيله به اهداف خود خواهند رسید؛ اهدافی که جان فرزندان مرا نشانه گرفته است پس منتظر آمدنش باش. امام حسن (ع) پدر را در آغوش می‌گیرند و می‌فرمایند: شما جانشین جدم رسول خدا (ص) هستید و من به‌عنوان فرزند اول شما شاهد این مظلومیت حق هستم پس همواره در برقراری‌اش با جان و مال و فرزند خواهم جنگید. امام دست پسرشان را در دست می‌گیرند و می‌فرمایند: همواره این دست تنها به میدان خواهد رفت همانند جدمان ابراهیم خلیل که نمرودیان و فرعونیان را پشت سر گذاشت تا جلوه‌ی حق را جاودانه سازد فرزندان من نیز همانند جدشان به جنگ باطل خواهند رفت و با تدبیری که در رسالتشان نهفته است چهره‌ی باطل را در هم خواهند کوبید تا خون پاکشان پرچم حق را برافرازد و به زمانی متصل کند که پیروان و شیعیان‌شان به دنبال وارث حقیقی رسالت حرکت کنند و درحالی‌که از محضرش دور باشند دست مهربانش را در شعله‌های کفر زمان در دست گیرند تا همانند یاران من نامشان در ملکوت بدرخشد و پیامبر به آنان به‌عنوان وارث ارثی بنگرد که از اولین تا آخرین جز به محبت خاندانش به زندگی ادامه نداده‌اند و افتخارشان نام با برکت فرزندان رسول خدا بوده پس دلتنگی‌ات را با نام زیبایش التیام ببخش و او را بخوان:

**اللهم عجل لوليک الفرج**